

واکاوی شعائر انتظار ظهور در سرزمین‌های اسلامی با تأکید بر ایران (از افول عباسیان تا برآمدن صفویان)

منصور داداش‌نژاد^۱، علی آقانوری^۲، بتول مدنی دهخوارقانی^۳، مریم علیئی^۴

چکیده

باور به ظهور حضرت مهدی علیه السلام اعتقادی ریشه‌دار در میان همه مسلمانان به‌ویژه شیعیان است. اخبار معصومین علیهم السلام در مورد حتمیت ظهور حضرت مهدی علیه السلام و توصیه مؤکد بر فضیلت انتظار و عدم تعیین زمان ظهور، فرهنگ انتظار دائمی برای ظهور را در جوامع شیعی نهادینه کرده است. تظاهر آمادگی دائمی و انتظار ظهور به صورت نمادها و نشانه‌هایی در رفتار اجتماعی مؤمنین آشکار شده است که از آنها با نام شعائر انتظار ظهور یاد می‌شود. پژوهش باهدف واکاوی شعائر انتظار ظهور در سرزمین‌های اسلامی با تأکید بر جامعه ایران در بازه زمانی سقوط عباسیان تا برآمدن صفویان (۶۵۶ تا ۹۰۷ ه.ق) به‌روش توصیفی - تحلیلی انجام شد. سپس شعائری که در دامنه تحقیق رایج و نیز در منابع قابل پی‌جویی بود احصاء و هشت مورد آن بررسی شد. همچنین ترتیب تاریخی وقوع شعائر و علل و عوامل شکل‌گیری آنها بررسی و تبیین شد. نتایج نشان داد که رواج شعائر انتظار ظهور برای شیعیان آن روزگار از نظر انسجام اجتماعی و استحکام عقیدتی ظرفیت‌ساز و مهم بوده است. در محدوده زمانی مورد بررسی، شعائر انتظار ظهور هم از نظر کمی و هم گستره جغرافیایی توسعه یافته بوده است. این شعائر در ظاهر ترکیبی از زمینه‌های اعتقادی شیعیان در مسئله مهدویت و فضیلت انتظار ظهور، سیطره حاکمانی که ادعای مسلمانی نداشتند و ستمگری آنها زبانزد بود. از مهمترین عوامل گسترش شعائر انتظار ظهور، ترکیبی از زمینه‌های اعتقادی شیعیان در مسئله مهدویت، فضیلت انتظار ظهور، سیطره حاکمانی که ادعای مسلمانی نداشتند و ستمگری آنها زبانزد بود. همچنین تلاش برخی از عالمان دینی برای امیدوار و پویا نگه داشتن جامعه شیعیان از مهمترین عوامل گسترش شعائر انتظار ظهور در این بازه زمانی، بوده است.

واژگان کلیدی: شعائر دینی، انتظار، ظهور، شعائر انتظار ظهور، مهدی موعود علیه السلام.

نوع مقاله: پژوهشی تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۴/۱۱ تاریخ بازنگری: ۱۴۰۳/۰۵/۱۶ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۵/۲۴

۱. دانشیار گروه تاریخ اسلام، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، قم، ایران.

Email: m.dadash@yahoo.com

۲. دانشیار گروه تاریخ و فرق، دانشگاه ادیان و مذاهب، قم، ایران.

Email: Aliaghanore@yhoo.com

۳. دانشجوی دکتری، رشته تاریخ تشیع اثنی عشری، دانشکده شیعه‌شناسی، دانشگاه ادیان و مذاهب، قم، ایران. (نویسنده مسئول)

Email: b.madani.d@gmail.com

۴. دانشجوی دکتری، رشته تاریخ تشیع، گروه تاریخ اسلام، دانشگاه باقرالعلوم علیه السلام، قم، ایران.

Email: malice9700@gmail.com

۱. مقدمه

شعائری که جوامع مختلف براساس عقاید، عرفیات و سایر شرایط محیطی خود می‌سازند بیانگر هویت جمعی آنها و تضمین‌کننده تداوم و حفظ آرمان‌های اجتماعی آنهاست. باور به ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف از عقاید طیف گسترده‌ای از مسلمانان به‌ویژه شیعیان است که به تناسب شرایط و اقتضائات، آداب و شعائری را در جوامع مختلف اسلامی رقم زده است. شناخت شعائر انتظار ظهور و بررسی چگونگی شکل‌گیری و نوع ابراز شعائر انتظار، چگونگی سلوک جمعی شیعیان و منتظران ظهور را در شرایط سیاسی-اجتماعی مختلف نمایان می‌کند. مستند ساختن شعائر انتظار ظهور، دغدغه صاحب این قلم در نوشتار پیش‌رو بوده است. برای تحدید دامنه تحقیق، بازه زمانی از سقوط عباسیان (۶۵۶ ه.ق) تا آغاز حکومت صفویان (۹۰۷ ه.ق) به دلیل تحولات سیاسی-اجتماعی این فصل تاریخی انتخاب شد. پژوهش حاضر به روش توصیفی-تحلیلی از نوع مطالعه کتابخانه‌ای است که منابع و گزاره‌های تاریخی بررسی و گزارش تحقیق با توصیف موارد و تحلیل نکات مستخرجه مطرح شد. دستیابی به چرایی پیدایش شعائر انتظار ظهور، پیامدها و تأثیرات آن بر جامعه ایرانی-اسلامی از اهداف پژوهش حاضر است. این شعائر پس از عباسیان و جایگزینی ایلخانان مغول به تدریج روبه فزونی نهاد و مشارکت مردمی بیشتری را به همراه داشت. برای دستیابی بهتر به اهداف پژوهش در دو فصل جداگانه، پیش‌زمینه‌های اعتقادی شعائر انتظار ظهور و آموزه‌های مهدویت در بیانات ائمه علیهم‌السلام و اوضاع و احوال تاریخی جامعه مسلمین در بازه زمانی افول عباسیان تا برآمدن صفویان بررسی است. بدیهی است این شعائر بیشتر ریشه تاریخی دارد و از گذشته (قبل از بازه زمانی موردنظر نوشتار حاضر) به صورت جریان‌ی زنده در میان مؤمنین وجود داشته است. وجود و رونق شعائر انتظار ظهور در اشکال همسو و گاه متفاوت، نمایانگر حضور پرشور شیعیان و دوستداران ائمه علیهم‌السلام در اکناف بلاد اسلامی است. ستمگری و بیداد گسترده حاکمان به‌ویژه مغولان در بالا بردن احساس نیاز به منجی عادل در شکل‌گیری و تداوم شعائر انتظار ظهور بی‌تأثیر نبوده است.



۲. پیشینه پژوهش

با بررسی آثار و مقاله‌های منتشر شده و پایان‌نامه‌های موجود در پایگاه اطلاع‌رسانی مربوط به موضوعات مهدویت، انتظار ظهور، انتظار منجی و کلیدواژه‌های مرتبط با موضوع نوشتار حاضر، اثری که به طور مستقیم مسئله شعائر انتظار ظهور را بررسی کرده باشد، یافت نشد. فقط مقاله «رسم‌های انتظار ظهور مهدی عجل‌الله تعالی فرجه‌الشریف در جهان اسلام (از قرن چهارم تا یازدهم)» (۱۳۹۶) اثر سید زین‌العابدین صفوی و سید مسعود شاه‌مرادی در این مورد نوشته شده است. این مقاله در کنار مفید بودن به تعداد محدودی از شعائر انتظار در مقطع زمانی موردنظر اشاره دارد و همه موارد را بررسی نکرده است. اهمیت موضوع و رواج این شعائر در جامعه اسلامی و زوایای مختلف آن نیاز به پژوهش گسترده‌تر در این زمینه را ضروری می‌کند. همچنین پایان‌نامه بررسی پدیده روبه‌رشد *انتظار و ظهور منجی (مهدویت)* در عصر *ایلخانیان* (جعفرزاده، ۱۳۹۵) به صورت غیرمستقیم به برخی از شعائر انتظار اشاره می‌کند. جعفرزاده (۱۳۹۵) در توصیف اثر پژوهشی خود نوشته است: «در این پژوهش، علل پیدایش و رشد اندیشه منجی‌گرایی و مهدویت و پیامدهای آن به روش توصیفی - تحلیلی مورد بررسی قرار گرفته است و در نتیجه نشان داده شده است که مدعیان قدرت، از اندیشه‌های مهدویت شیعه برای رسیدن به اهداف خود بهره گرفته‌اند». علاوه بر اختصاص دامنه تحقیق به عصر ایلخانیان، رویکرد نویسنده در پژوهش فوق متفاوت از رویکرد مقاله حاضر است، البته در مواردی به تناسب بحث به برخی از شعائر انتظار ظهور نیز اشاره شده است. برای مثال در بیان چگونگی رشد پدیده انتظار ظهور با اشاره به تبعات استیلای مغولان در ایران که موجب گسترش فساد و ظلم و ستم بر مردم و نابسامانی، فقر و... شده بود، می‌گوید: «در چنین شرایطی مردم بیش از هر زمان دیگری احساس نیاز به مسئله ظهور امام عصر عجل‌الله تعالی فرجه‌الشریف داشتند. بنابراین، مردمان این عصر برای رسیدن به عدالت، برچیدن ظلم و فساد و حاکمیت مغولان، جذب افرادی شدند که حرکت و نهضت خود را با ادعای مهدویت آغاز کرده بودند. در این دوره انتظار، منجی‌گرایی بیش از عصرهای دیگر در عقاید و افکار مردم (شیعیان) و حتی غیرشیعیان رسوخ کرد، به طوری که در برخی از شهرها هر روز مردم به انتظار منجی به دروازه شهرها می‌رفتند و به انتظار امام غایب می‌نشستند»

(جعفرزاده، ۱۳۹۵).



پایان نامه/اندیشه مهدویت در حکومت های شیعی/از قرن چهارم تا نهم هجری (محبی، ۱۳۹۵) با وجود تفاوت رویکرد پژوهشی با مقاله حاضر به ضرب سکه و حرکات نمادین برای انتظار ظهور اشاره کرده است. در این پایان نامه بیان شده است: «در قرن هشتم نیز حکومت سرداران برپایه مذهب اثنی عشری در ایران شکل گرفت. در این حکومت نیز بحث مهدویت بسیار مورد توجه بود و ضرب سکه به نام دوازده امام و حرکات نمادین برای آمادگی برای ظهور در این راستا بود. اسماعیلیان نیز در مغرب و مصر و سپس در ایران موفق به تشکیل حکومت شدند» (محبی، ۱۳۹۵). چنان که پیشتر گفته شد، در مقاله نخست اگرچه قرابت محتوایی وجود دارد، نویسندگان متمرکز در بررسی شعائر انتظار ظهور نبوده اند. بنابراین، تمام شعائر را نیز بررسی نکرده اند. در دو اثر اخیر نیز شعائر انتظار ظهور مسئله مورد بررسی نبوده است، بلکه با رویکردهای متفاوت، هریک جنبه ای از مسئله مهدویت را بررسی کرده اند و گاهی از حرکات نمادین انتظار ظهور نیز سخن گفته اند، اما انتظار ظهور مسئله آنها نبوده است.

۳. مفهوم شناسی

۳-۱. انتظار

انتظار به معنی مترصد بودن، چشم به راه بودن و انتظار کشیدن است. انتظار به معنی عدم رضایت از وضعیت موجود و انتظار عملی برای تغییر آن و حاصل شدن وضعیتی مناسب است. انتظار در اصطلاح، استعداد و آمادگی پیدا کردن هم از نظر ایمانی و اعتقادی و هم از نظر عملی برای استقبال از ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الیه است. (فتلاوی، ۱۴۲۵ ه.ق، ص ۴۹)

۳-۲. شعائر انتظار

«شعار» در لغت به معنی نشان و علامت و نشانه گروهی از مردم است تا به وسیله آن یکدیگر را بشناسند. شعار به معنی نشان و علامت سلطان یا امیر یا خرقه ای مانند علم سیاه یا سفید و یا کلمه ها که طریقه و آیین او را نمودار کند، است. شعائر، جمله ای است که در پایین نشان یا درفش یک منطقه دیده می شود. (دهخدا، ۱۳۷۷) شعائر، جمع شعیره و به معنای علامت، سمبل، نشانه و یا نماد است. گاه سمبل و نماد مذهب و بیانگر ایده ها و آرمان های مکتب است. گاهی مکانی است همانند معبدی مقدس و محلی الهی (قرشی

بنابراین، (۱۳۷۱، ۴/۴) شعائر در اصطلاح، هر علامت و نشانه‌ای است که برای یک‌گروه، قوم، ملت یا امت وضع شده است و ویژگی‌هایی دارد. شعائر انتظار، اعمال و یا اشیایی است که توسط جماعتی، نمادی از اعتقادات شیعیان در مورد انتظار ظهور شده و در ملاءعام هم رؤیت شده باشند مانند ضرب سکه مهدوی، آمادگی رزمی برای یاری‌رسانی به مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف، تهیه اسب و شمشیر برای ایشان، برافراشتن پرچم، تجمع کنار سرداب، تشکیل حکومت مهدوی و سلام دادن به ایشان.

۴. پیش‌زمینه‌های اعتقادی شکل‌گیری شعائر انتظار ظهور

آموزه‌های پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و ائمه معصومین علیهم السلام در مورد مهدویت و انتظار ظهور مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف مهمترین پیش‌زمینه برای عطف توجه مؤمنین به تولید شعائر انتظار ظهور است. از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و ائمه علیهم السلام روایات زیادی در این زمینه به دست رسیده است. ایشان در روایتی انتظار فرج ظهور را برترین عبادت (ابن بابویه، ۱۳۹۵، ۱/۲۸۷) و در روایت دیگر آن را برترین جهاد می‌داند (ابن شعبه حرانی، ۱۳۶۳، ص ۳۷). در جای دیگر فرمود: «بهشت برای صبرکنندگان در غیبت آن حضرت است و بهشت برای باقی‌ماندگان در محبت اوست» (ابن طاووس، ۱۳۷۴، ص ۳۴۴). امیرالمؤمنین علیه السلام در حدیثی منتظران فرج را مانند شهیدانی می‌داند که در راه خدا در خون خود می‌غلتنند (ابن بابویه، ۱۳۹۵، ۲/۶۴۵). امام حسین علیه السلام نیز صبرکنندگان در غیبتش بر اذیت‌ها و تکذیب‌ها را مانند مجاهدان با شمشیر در سپاه پیامبر صلی الله علیه و آله می‌داند (ر.ک.، ابن بابویه، ۱۳۹۵، ۱/۳۱۷). امام سجاد علیه السلام فرمود: «هرکه در دوران غیبت قائم ما بر ولایت ما ثابت قدم باشد خداوند پاداش هزار شهید مانند شهدای بدر و احد را به او عطا می‌فرماید» (مجلسی، ۱۴۰۳ هـ.ق، ۵۲/۱۱۲۵). امام موسی بن جعفر علیه السلام فرمود: «افضل العباده بعد المعرفه انتظار الفرج؛ بافضیلت‌ترین عبادات بعد از معرفت پروردگار، انتظار فرج است. (مؤسسه معارف اسلامی، ۱۴۲۸ هـ.ق، ۵/۴۲۴).

در برخی از روایات، آموزه انتظار ظهور به شکل آمادگی نظامی برای ظهور بیان شده است. امام صادق علیه السلام فرمود: «هریک از شما باید خود را برای خروج قائم آماده کند هرچند با فراهم کردن یک تیر، که خدای تعالی هرگاه آن را از نیت او بداند امیدوارم که در عمر او را به تأخیر اندازد تا آنکه قائم را درک کند و از یاران و یاوران او باشد» (نعمانی، ۱۳۷۳). روایت دیگر که بر ضرورت آمادگی



نظامی و جهادی دلالت دارد حدیثی است که کلینی به سند خود از امام موسی کاظم علیه السلام نقل می‌کند: «هرکس اسبی را به انتظار امر ما نگاه دارد و به سبب آن دشمنان را خشمگین سازد و او به ما منسوب باشد، خداوند روزیش را فراخ گرداند و شرح صدر به او عطا کند و به آرزویش برساند و یار وی بر حوائجش باشد» (کلینی، ۱۴۰۷ ه.ق، ۵۳۵/۶). دسته دیگری از روایات متضمن توصیه مؤمنین به دعا برای ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و توفیق همراهی با ایشان و جهاد و شهادت در رکاب آن بزرگوار است.

از امام زین العابدین علیه السلام دعاهایی نقل شده است که در آنها برای حضرت دعا کرده است. ایشان شیوه‌ای از انتظار را به شیعیان آموزش داد. در دعای بعد از ظهر جمعه آمده است: «اللهم اشترنفسی الموقوفه علیک المحبوسه لامرک بالجنه مع معصوم من عتره نبیک تملأ به الارض عدلاً وقسطاً» (ابن شهر آشوب، ۱۳۷۹، ۴/۸۵)؛ همچنین در دعای عرفه صحیفه سجاده می‌فرماید: «واجعلنا له سامعین مطیعین وفی رضاه ساعین و المنتظرین». امام زین العابدین علیه السلام در جای دیگر با دعا برای حضرت می‌فرماید: «اللهم صل علی محمد و آل محمد و فرج عن آل محمد» و در ادامه دعا از خدا می‌خواهد که در زمره موالی و شیعیان حضرت باشد. همچنین از خدا می‌خواهد شهادت در رکاب حضرتش را نصیب او کند در حالی که خداوند از ایشان راضی باشد (صحیفه سجاده، ۱۳۹۳، دعای ۴۷). امام صادق علیه السلام فرمود: «هرکس بعد از نماز صبح و نماز ظهر بگوید: اللهم صل علی محمد و آل محمد و عجل فرجه؛ نمی‌میرد تا اینکه قائم را درک کند» (شیخ طوسی، ۱۴۱۱ ه.ق). ایشان نیز برای اینکه خودش یاری دهنده آن جناب باشد و در رکاب حضرت شهید شود، دعا کرد. مثل این دعا که در روایتی طولانی در مورد فضیلت روزه، نماز و دعای بعد از آن برای روز عید غدیر فرمود و در انتهای آن چنین دعا کرد: «و ارزقنا نصر دینک مع ولی هاد منصور من اهل بیت نبیک و اجعلنا معه و تحت رایتہ شهداء صدیقین فی سبیلک و علی نصره دینک» (مؤسسه معارف اسلامی، ۱۴۲۸ ه.ق، ۵/۲۸۵).

دعای عهد معروف نیز از امام صادق علیه السلام به شیعیان رسیده است که فرمود: «هرکس چهل صباح آن را بخواند از یاوران قائم خواهد باشد و چنانچه زودتر بمیرد خداوند او را از قبر بیرون می‌آورد در حالی که هزار حسنه به وی عطا و هزار گناه از او محو کرده است». در این دعا امام علیه السلام به شیعیان آموخت که چگونه به حضرت حجت عجل الله تعالی فرجه الشریف از جانب خود و جمیع مؤمنین مشرق

و مغرب و از جانب والدین خود سلام دهند و چگونه آرزوی بودن در رکابش و شهادت در کنارش را از خداوند بخواهند (مؤسسه معارف اسلامی، ۱۴۲۸ هـ.ق، ۳۹۰/۵). از امام موسی بن جعفر علیه السلام نقل است که بعد از نماز عصر دست‌های خود را به سوی آسمان بالا می‌برد و می‌فرمود: «و درود فرست بر محمد و آل او، و تعجیل فرما در فرج منتقمت از دشمنانت» (مؤسسه معارف اسلامی، ۱۴۲۸ هـ.ق، ۴۲۷/۵). آن حضرت با رفتار عملی خود به شیعیان آموخت که برای تعجیل در فرج ظهور دعا کنند. امام رضا علیه السلام نیز در دعایی فرمود: «و ما را از یاری دهندگان به وی در یاری رساندن به دینت قرار بده» (شیخ طوسی، ۱۴۱۱ هـ.ق). ایشان توصیه می‌فرمود که در نماز وتر برای فرج ظهور قائم آل محمد صلی الله علیه و آله و سلم دعا کنند و از خدا بخواهند که دعوت وی را ظاهر کند، در خروجش تعجیل فرماید، لشکرش را یاری دهد و زمانش را نزدیک کند (منسوب به علی بن موسی علیه السلام، ۱۴۰۶ هـ.ق). امام جواد علیه السلام فرمود: «بعد از نماز فریضه برای ظهور حضرت حجت علیه السلام این‌گونه دعا کنید: «اللهم وليك الحجه، فاحفظه و اجعله القائم بأمرک و اشف صدورنا و صدور قوم مؤمنين» (ابن الفقيه، ۱۴۱۶ هـ.ق). امام عسکری علیه السلام در پاسخ سؤال‌کننده‌ای که چگونگی صلوات بر نبی و اوصیایش را پرسیده بود در قسمت مربوط به قائم علیه السلام دعایی طولانی آموزش داد که در بخش‌هایی از آن فرمود: «اللهم انصره و انتصر به لدینک و اظهر به العدل، و ایده بالتصر واجعلنی اللهم من أنصاره و أعوانه و أتباعه و شيعته اله الحق أمين» (شیخ طوسی، ۱۴۱۱ هـ.ق). بنابر روایات، امام عصر علیه السلام در قنوت نمازش برای تعجیل فرج ظهور خود دعای می‌کرد (مؤسسه معارف اسلامی، ۱۴۲۸ هـ.ق، ۳۶۷/۶). ایشان در نامه‌ای نوشت: «برای تعجیل در ظهورم دعا کنید که ظهور من به نفع شما و موجب فرج و گشایش امور شما خواهد بود» (ابن بابویه، ۱۳۹۵/۳، ۶۸۵/۳). ملاحظه مجموعه روایات منقوله از ائمه علیهم السلام که تواتر اجمالی بر لزوم انتظار ظهور حضرت مهدی علیه السلام دارند به این نکته رهنمون می‌شود که یکی از مهمترین عوامل زمینه‌ساز شعائر انتظار ظهور بعد اعتقادی است که برپایه آموزه‌ها در وجود مؤمنین شکل گرفته است.

۵. اوضاع سیاسی-اجتماعی سقوط عباسیان تا برآمدن صفویان (۶۵۶ هـ.ق-۹۱۱ هـ.ق)

در این بازه زمانی استیلای دو دوره حکومت فراگیر و مقتدر ایلخانان مغول و تیموریان و یک دوره حکومت‌های محدود و منطقه‌ای امیران مغول (۶۵۴-۷۵۶ هـ.ق)، سربداران



(۷۳۶-۷۸۸ ه.ق)، مرعشیان (۱۰۰۵-۷۶۰ ه.ق)، مشعشعیان (۸۴۵- ه.ق)، آق قویونلوها (۸۵۷ - ۹۱۰ ه.ق) و قره‌قویونلوها (۷۸۰-۸۷۴ ه.ق) بوده است. چنگیزخان مغول نخستین بار در سال ۶۱۶ ه.ق به خراسان حمله کرد. وی پس از کشت و کشتار عظیم مردم مناطق مختلف و نابود کردن بسیاری از سرزمین‌های اسلامی در سال ۶۲۴ ه.ق به مغولستان بازگشت و همانجا درگذشت. در سال ۶۴۸ ه.ق منگوخان بزرگ یا قاآن با اعزام برادرانش هولاکو و قوییلای به ترتیب به ایران و چین پیروزی‌های مغولان را تحکیم و تکمیل کرد. هولاکو با فتح ایران در سال ۶۵۱ ه.ق و فتح بغداد در سال ۶۵۶ ه.ق سلسله ایلیخانان ایران را بنیان نهاد و تا سال ۷۵۰ به صورت پراکنده ادامه یافت. (اقبال، ۱۳۸۷؛ زریاب، ۱۳۷۳، ۸۸۹/۲) فتح ایران به دست هلاکو خان جدای از کشتار عظیم مردم و نابود کردن اقتصاد ایران پیامدهای مهمی مانند پایان کار اسماعیلیان، انقراض خلافت عباسیان و رشد و گسترش تشیع را به دنبال داشت. ایلیخانان در ابتدا شمن باور و برخی نیز بودایی بودند، اما به تدریج به اسلام گرویده، در دین و فرهنگ ایرانی هضم و جزئی از ایرانیان شدند (اقبال، ۱۳۸۷؛ زریاب، ۱۳۷۳، ۹۳۸/۲).

اواخر حکومت ایلیخانان (حدود سال ۷۵۰ ه.ق) که با ضعف و پراکندگی همراه بود، ایران شاهد ظهور حکومت‌های منطقه‌ای و ملوک‌الطوایفی در عرصه سیاسی و به وجود آمدن نهضت‌های انقلابی ضدایلیخانان مانند سرداران بود. ملوک‌الطوایفی سراسر ایران را دچار اغتشاش‌های طولانی کرد و خاندان‌های گوناگون محلی را در برابر یکدیگر به پیکار واداشت. پیکارهای میان فرمانروایان محلی، باعث غارت‌ها و کشت و کشتارهای بسیاری در آبادی‌ها، شهرها و ولایات گوناگون شد. این شهرها و ولایات هر از چندی دست به دست می‌گردیدند. در اواخر دوره ایلیخانان، امیران محلی در مناطق مختلف حکمرانی می‌کردند مانند چوپانیان (۷۴۵-۷۵۷ ه.ق) در آذربایجان و اران و ولایات جبال، سرداران (۷۳۶-۷۸۸ ه.ق) در خراسان، سبزواری، اسفراین و جوین، جلایریان (۷۴۰-۸۱۳ ه.ق) در عراق عرب و بعدها در تمام قلمرو چوپانیان، طغایتموریان (۷۳۷-۷۵۴ ه.ق) در جرجان و خراسان غربی، آل کرت (۶۴۳-۷۹۲ ه.ق) در هرات و خراسان شرقی، ملوک شبانکاره (۴۴۸-۷۵۶ ه.ق) در بخشی از فارس، اتابکان سلغری (۵۴۳-۶۸۵ ه.ق) و قراختاییان (۶۱۹-۷۰۳ ه.ق) در فارس

و کرمان، آل اینجو (۷۳۷-۷۵۹ ه.ق) در فارس و اصفهان، اتابکان لر (۵۵۰-۸۲۷ ه.ق) بین اصفهان تا خوزستان، اتابکان یزد (۵۳۶-۷۲۸ ه.ق) در ولایات تابع آن حوالی و شماری امیرنشین در طبرستان که از هم مستقل و باهم در حال ستیز بودند. در همین دوران، قراقویونلوها، آق قویونلوها و مرعشیان نیز در مناطقی حکومت می‌کردند.

تیموریان یا گورکانیان ایران (۷۷۱-۹۱۱ ه.ق) دودمانی مغول تبار بودند. تیمور گورکانی بنیانگذار این سلسله کشورگشایی خود را از آسیای میانه آغاز و سپس به خراسان و همه بخش‌های ایران و عثمانی و بخش‌هایی از هندوستان گسترش داد. پس از وی، شاهرخ موفق شد تاحدی قدرت و اعتبار کشور را نگهداری کند. بعدها، سلطان حسین بایقرا در سال ۸۷۳ ه.ق بر هرات استیلا یافت. او با ایجاد ثبات نسبی و احیای رونق فرهنگی در خراسان توانست حدود ۳۵ سال در آنجا حکومت کند. (خواندمیر، ۱۳۸۰، ۱۷۲/۱) سلطان حسین در سال ۹۱۱ ه.ق درگذشت. شیبک خان ازبک با استفاده از کشمکش‌های شاهزادگان تیموری در سال ۹۱۳ ه.ق هرات را گرفت و به سلطه دوپست‌ساله تیموریان در خراسان پایان داد. تیموریان از نظر مذهبی ابتدا تابع قوانین مغولی یاسا بودند، ولی شاهرخ در ۸۱۵ ه.ق قوانین یاسا را لغو و فقه اسلامی را جانشین آنها کرد. پس از او نیز بیشتر فرمانروایان تیموری مانند سلطان حسین بایقرا به رعایت سنن اسلامی پایبند شدند (خواندمیر، ۱۳۸۰).

تیموریان پس از پذیرش اسلام پیرو مذهب حنفی شدند، اما با پیروان مذاهب دیگر با تسامح برخورد می‌کردند (میرخواند، ۱۳۸۵، ۵۳۳۴/۶). در این شرایط، شیعیان با آزادی بیشتری به تبلیغ مذهب خود می‌پرداختند تا آنجا که شاعران شیعه نیز در سطح گسترده به ستایش ائمه علیهم‌السلام اقدام کردند (صفا، ۱۳۷۸، ۵۶/۴). در این دو قرن ونیم، جامعه اسلامی شاهد شرایط متفاوت سیاسی-اجتماعی بود. گاه متلاطم و تأسف بار و گاه آرام و مناسب‌تر بود. در آغاز استیلای هریک از دو دولت فراگیر آن دوران یعنی، ایلخانان و تیموریان با قتل و غارت و ویرانگری مردم را به ستوه آوردند، اما پس از تثبیت حاکمیت و خاتمه‌درگیری‌های نظامی، شرایط زندگی و فعالیت‌های فرهنگی و دینی بهتر می‌شد. در فاصله اضمحلال ایلخانان تا استیلای تیمور یعنی، در دوران حکومت‌های منطقه‌ای و محلی که حدود پنجاه سال به طول انجامید، به دلیل نزاع‌های دائمی حکومت‌های محلی شرایط زندگی آرام برای مردم فراهم نبود.





۶. مصادیق شعائر انتظار ظهور براساس ترتیب تاریخی

۶-۱. رفتن به بیرون شهر در کاشان

اولین مورد از شعائر انتظار ظهور از نظر تقدم زمانی در پژوهش حاضر متعلق به جامعه شیعی کاشان است که هر صبح یراق پوشیده، بر اسب سوار شده از شهر بیرون می‌رفتند به انتظار آنکه صاحب و امام ایشان ظاهر شود و چون آفتاب بلند می‌شد باز به شهر برگشته به یکدیگر می‌گفتند: «امروز هم نشد». یاقوت حموی (م ۶۲۶ ه.ق) نویسنده کتاب *معجم البلدان* و قزوینی (م ۶۸۲ ه.ق) نویسنده کتاب *آثار البلاد* که هر دو در قرن هفتم زندگی می‌کردند از ابوالعباس احمد بن علی بن بابیه قاشانی عالم قرن ششم که کتابی در مورد فرق شیعه تدوین کرده بود گزارش یاد شده را نقل کرده‌اند (حموی، ۱۳۸۳، ۲۹۶/۴؛ قزوینی، ۱۳۷۳). این دو نویسنده هر چند از استمرار آن رسم در زمان خود یاد نکرده‌اند، اما با توجه به پایداری این‌گونه شعائر و با مراجعه به منابع بعدی می‌توان استمرار آن را به دست آورد. یکی از منابع مزبور کتاب *فیروزیه* است؛ براساس گزارش این کتاب که نوشته افندی از عالمان عصر صفوی است، مردم کاشان شیعه بودند و از قدیم‌الایام مراسم انتظار را انجام می‌دادند. پیش از صفویان مردم کاشان برای مدتی به تسنن گرایش پیدا کرده بودند، ولی در عصر صفوی با تلاش مرحوم کرکی، تشیع در میان ایشان تقویت شد به گونه‌ای که در این عصر در هیچ ناحیه از آن ولایت، کسی اهل تسنن نبود (جعفریان، ۱۳۷۳، ۴۲۶/۱). بنابراین، تداوم این برنامه نه تنها گویای حب و عنایت مردم منطقه به ظهور حضرت و برگزاری نمادین این مراسم است، بلکه از سیاست هیئت حاکمه نسبت به برگزاری مکرر و مردمی مراسم مذکور که همراهی و تعامل یا عدم تعرض بود نیز خبر می‌دهد.

۶-۲. مراسم جمعی کنار سرداب سامرا

به گفته قزوینی (م ۶۸۲ ه.ق) جمع شیعیان سامرا همیشه اسبی سمند با زین و یراق طلا، کنار سردابی که حضرت غایب شد نگه می‌داشتند که در زمان سنجر سلجوقی (حکمرانی ۵۱۱-۵۵۲ ه.ق) برپا می‌شده است (قزوینی، ۱۳۷۳، ص ۴۵۴) که پیش از بازه زمانی مورد بررسی در پژوهش حاضر است، ولی منابع بعدی از استمرار این اجتماع بزرگ شیعیان در عهد ایلخانان گزارش می‌دهند. یکی از این گزارش‌ها از صفی‌الدین بغدادی (م ۷۳۹ ه.ق) در

مراسم اطلاع است. وی می‌گوید: «از شهر سامرا فقط قسمتی به نام عسکر باقی است که امامین عسکریین علیهم‌السلام در آنجا مدفون هستند و سردابی وجود دارد که به گمان روافض، فرزند حسن بن علی علیه‌السلام در آنجا غائب شده و آنها تا زمان حال منتظر ظهور اویند» (صفی‌الدین بغدادی، ۱۴۱۲ هـ.ق، ۲/۶۸۵). ابن تیمیه (م ۷۲۸ هـ.ق) گزارش مشروح‌تری در این باره ارائه کرده است: «شیعیان در شهرهای مختلف از جمله سرداب سامرا سبی را نگاه می‌دارند تا حضرت هنگام خروج بر آن سوار شود. آنها بین روز یا وقت دیگر کنار سرداب درحالی که مسلح و آماده نبردند، جمع شده از حضرت درخواست خروج می‌کنند» (ابن تیمیه، ۱۴۰۶ هـ.ق، ۱/۴۴۱). وی نه تنها خبر از اجتماع بزرگ شیعیان منتظر ظهور سامرا داده است، بلکه آن را به شهرهای دیگر نیز تعمیم می‌دهد؛ اگرچه گزارش ابن تیمیه ممکن است مبالغه‌آمیز باشد، اصل پایبندی شیعیان به اجرای شعائر انتظار از سویی و قدرت مذهبی-سیاسی جامعه شیعیان را از سوی دیگر اثبات می‌کند.

گزارش دیگر از نظر تأخر زمانی از ابن کثیر (م ۷۷۴ هـ.ق) است. وی پس از اشاره به مراسم جمعی انتظار ظهور شیعیان در سامرا از تاجری رافضی مذهب به نام ابوالسعادات یاد می‌کند که هر جمعه لباس جنگ می‌پوشید، پشت درب خانه حضرت به انتظار ظهور می‌ایستاد تا ایشان را یاری کند. (ابن کثیر، ۱۴۰۷ هـ.ق، ۲۸/۹؛ ابن کثیر، ۱۴۰۷ هـ.ق، ۱۳/۴۳) بعد از ابن کثیر، گزارش ابن بطوطه (م ۷۷۹ هـ.ق) است که از سامرا دیدن کرده و می‌گوید: «شیعیان در سامرا مثل حله، مشهد صاحب‌الزمان دارند» (ابن بطوطه، ۱۴۱۷ هـ.ق، ۲/۸۰). از مجموع گزارش‌ها می‌توان نتیجه گرفت که اجتماع بزرگ شیعیان سامرا در مورد انتظار ظهور از اوایل قرن ششم تا اواخر قرن هشتم برپا بوده و از نظر سیاسی هم حکومت وقت مخالفتی نداشت؛ زیرا گزارشی از مخالفت و یا مانع شدن وجود ندارد.

۳-۶. مراسم ویژه سربداران و اعلام آمادگی برای ظهور امام عجل‌الله‌تعالی فرجه‌الشریف

زهضت سربداران (۷۳۶-۷۸۸ هـ.ق) با تمسک به شعائری مانند نزدیکی ظهور و ترویج شعائری مانند بیرون آمدن صبحگاهان و توقف در دروازه شهر به انتظار مهدی موعود عجل‌الله‌تعالی فرجه‌الشریف جلوه دیگری از شعائر انتظار ظهور را به نمایش گذاشت. سربداران با تمسک به شعائری مانند نزدیکی ظهور، تلاش کردند مردم را گرد خود جمع کنند و در صحنه نگه دارند. (حافظ ابرو، ۱۳۸۰، ۷۸/۱؛ میرخواند، ۱۳۸۵) شیخ خلیفه که شخصیت معنوی سربداران بود،



اندیشه‌های مهدوی را باور داشت و همراهی مردم او را به این باور رساند که ظهور نزدیک است. پس از وی، شیخ حسن جوری با شعار «قریب الوقوع بودن ظهور»، کار خود را پیش برد. جان اسمیت در توضیح اندیشه انتظار ظهور حسن جوری می‌نویسد: «جوری با اتخاذ نوعی ایدئولوژی که هسته اعتقادی آن، ظهور قریب الوقوع امام دوازدهم عجل الله تعالی فرجه الشریح بود و اینکه تمام مسلمین باید خود را برای کمک به او آماده کنند تشکیلاتی مرکب از پیشه‌وران و تجار که معتقد به این آیین بودند، ایجاد کرد» (جان اسمیت، ۱۳۶۱).

بعد از اختلافات بین سران و بزرگان سربدار، رهبری آنها به خواجه علی مؤید رسید. پیش از این، اندیشه شیخی از نظر شخصیت‌های اولیه قیام بر جریان سربداران تأثیر داشت که در اظهار شعائر تشیع از جمله انتظار ظهور سعی بلیغ کرد. (حافظ ابرو، ۱۳۸۰، ۳۶۶/۱) خواندمیر با تأیید تشیع خواجه علی مؤید می‌نویسد: «به امید ظهور صاحب الزمان عجل الله تعالی فرجه الشریح هر صباح و مساء انتظار می‌کشید» (خواندمیر، ۱۳۸۰، ۳۶۶/۳). بنابراین، سربداران توانستند با پررنگ کردن شعائر مهدوی در جامعه تشنه ظهور، همراهی گسترده و کم‌نظیر طبقات مختلف اجتماعی را به دست آورند. با توجه به گزارش‌های ذکر شده درباره حکومت سربداران عوامل زمینه‌ساز حکومت با محتوای مهدوی و همراهی جامعه را می‌توان در بیزاری مردم از ستم مغولان، گسترش مسئله انتظار ظهور میان شیعیان و بهره‌گیری سردمداران قیام از اندیشه‌ها و شعائر انتظار ظهور مهدوی دانست.

۶-۴. اجتماع ندبه ظهور در حله

یکی دیگر از برنامه‌های اجتماعی شیعیان در مورد انتظار ظهور که با همکاری حکومت برگزار می‌شد مراسم ویژه مردم حله بود که جایی را برای محل ظهور حضرت ساخته بودند و در آنجا به انتظار ظهور، ندبه می‌کردند. مستوفی (م ۷۵۰ هـ.ق) در *نزهة القلوب* آورده است: «اهل حله، شیعه اثنی عشری و در کار مذهب به غایت متعصب باشند، مقامی ساخته و اعتقادشان آنکه امام‌المنتظر المهدی محمد بن حسن العسکری که در سنه ۲۶۴ هـ.ق غایب شد، باز از آنجا بیرون خواهد آمد» (مستوفی، ۱۳۸۱). گزارش مستوفی بیانگر برنامه انتظار در قرن هشتم در حله است. پس از مستوفی، ابن بطوطه (م ۷۷۹ هـ.ق) در گزارش خود از شهر حله با اشاره به مذهب اثنی عشری مردم حله به شرح مراسم انتظار ظهور می‌پردازد و می‌نویسد: «در نزدیکی بازار

بزرگ حله مسجدی قرار دارد که آن را مشهد صاحب الزمان می خوانند، شب ها پس از نماز عصر صد مرد مسلح با شمشیرهای آخته پیش امیر شهر رفته از او اسب یا استری زین کرده گرفته به سوی مشهد صاحب الزمان روان می شوند، درحالی که پیشاپیش این چارپا، طبل و شیپور و بوق می زند. از آن صدتن، نیمی در جلو حیوان و نیم دیگر در دنبال آن راه می افتند و سایر مردم در طرفین حرکت می کنند و چون به آنجا می رسند برابر درب ایستاده، آواز می دهند: بسم الله ای صاحب الزمان، بسم الله، بیرون آی که تباهی روی زمین را فرا گرفته و ستم فراوان گشته. وقت آن است که برآیی تا خدا توسط تو حق را از باطل جدا گرداند و به همین ترتیب به نواختن بوق، شیپور و طبل ادامه می دهند تا نماز مغرب فرارسد» (ابن بطوطه، ۱۴۱۷ ه.ق، ۲/۵۶).

ابن بطوطه در سفر دیگر خود به حله از استمرار و برگزاری همان مراسم مجدد گزارش می دهد. (ابن بطوطه، ۱۴۱۷ ه.ق، ۴/۱۷۴) قلقشندی (م ۷۹۱ ه.ق) نیز با تأیید منتظر ظهور بودن جامعه شیعیان حله، برگزاری آن گونه مراسم را در زمان حیات خود تأیید می کند (قلقشندی، بی تا، ۱۳/۲۳۲). ابن خلدون (م ۸۰۸ ه.ق) که تا اوایل قرن نهم می زیست، می گوید: «شیعیان حله تا روزگار وی منتظر ظهور حضرت هستند و او را بدین سبب منتظر می نامند و هر شب بعد نماز مغرب جلوی در سرداب می ایستند، مرکبی همراه می آورند و او را با بانگ بلند صدا می زنند و می خواهند که بیرون بیاید تا اینکه ستارگان ظاهر می شوند، متفرق شده و شب بعد برنامه را تکرار می کنند» (ابن خلدون، ۱۴۰۸ ه.ق، ۱/۲۴۹). بنابراین، رسم انتظار ظهور حله با گونه ترکیبی مردم و حکومت از قرن هشتم که مستوفی از آن یاد کرده است تا قرن نهم همچنان ادامه داشت. آنچه را می توان زمینه ساز شکل گیری شعائر انتظار ظهور در حله با شیوه خاص دانست شاید یادگیری از مناطق دیگر مانند سامرا که فاصله زیادی با حله ندارد و اعتقاد به انتظار ظهور و احساس نیاز به ظهور باشد.

۵-۶. ضرب سکه با شعائر مهدوی

در برخی مناطق شیعه نشین توسط برخی دولت های محلی شیعی، نوعی حرکت سیاسی- اجتماعی برای زنده نگه داشتن ایده انتظار ظهور شکل گرفت. این حرکت صبغه تمدنی داشت و نشانگر اعتقادات شیعی حاکمان و همراهی با عقاید و باورهای توده مردم و جامعه شیعه مذهب منتظر ظهور و عبارت بود از ضرب سکه های مزین به نام و القاب حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف که حامل معانی اعتقادات شیعی مربوط به مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف مانند



فرزند امام حسن عسکری علیه السلام، زنده بودن، سلطان حق بودن و انتظار ظهور ایشان بود. از بین ایلخانان، اولجایتو، هشتمین ایلخان مغول در سال ۷۰۹ هـ.ق تشیع را به صورت رسمی پذیرفت و فرمان داد بر روی سکه‌ها اسامی ائمه علیهم السلام نقش شود. این سکه‌ها تا پایان عمر اولجایتو (۷۱۶ هـ.ق) با همین سجع شیعی ضرب شدند. علاءالدینی سکه‌های فراوانی از این دوره را بررسی و ۵۶ سکه به دست آورد که روی آنها نام حضرت با عبارت محمد الحجه، محمد خلف الحجه و الحجه ابن الحسن محمد و المهدی آمده است. (علاءالدینی، ۱۳۹۵)

دولت سریداران نیز که در قرن هشتم حضور فعال سیاسی داشت به ضرب سکه مهدوی اقدام کرد. درویش عزیز به سال ۷۵۹ هـ.ق سکه‌ای ضرب کرد که عبارت سلطان محمد المهدی بر آن منقوش بود. (جان اسمیت، ۱۳۶۱) سکه نقره‌ای از دوره علی مؤید سریدار به سال ۷۷۰ هـ.ق در سبزواری به دست آمده است که نام ائمه اثنی عشر و امام دوازدهم با عبارت و محمد حجه الله بر آن نقش بسته است. (ترابی طباطبایی، ۱۳۵۵) سکه‌ای نیز با شعائر انتظار در دوره مرعشیان (۷۶۰ - ۷۹۴ یا ۹۲۹ هـ.ق) ضرب شد که صلوات بر دوازده امام در حاشیه و عبارت محمد المهدی در مرکز آن بود (علاءالدینی، ۱۳۹۶). تغاتیمور مغول نیز سال ۷۲۸ و ۷۴۲ هـ.ق سکه‌هایی با نام امامان شیعه به ضرب آمل زد. سکه دیگری نیز سال ۷۴۲ هـ.ق در منطقه یافت شد که عبارت محمد الحجه را داشت (علاءالدینی، ۱۳۹۶). این شواهد حاکی است که در منطقه آمل، جامعه شیعیان موقعیت مناسبی داشتند به گونه‌ای که تعامل حکومت و شیعیان و وجود فرهنگ انتظار، نقش بستن شعائر شیعی بر سکه‌های منطقه را به دنبال داشت. سکه‌های ضرب شده در هفت سال پایانی سلطنت سلطان محمد خدابنده، حکومت سریداران و تغاتیمور، نه فقط گویای گرایش سلطان به تشیع است، بلکه حک نام حضرت با نام‌هایی مانند الحجه، خلف الحجه، المهدی، سلطان، حجت ابن الحسن و... علاوه بر آنکه وجود اندیشه موعدگرایی شیعی و انتظار ظهور مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف را در میان دولتمردان توجیه می‌کند شاهدی جدی بر زنده بودن ایده انتظار ظهور در میان توده مردم و ریشه دار بودن باور مزبور در جوامع شیعی به شمار می‌رود.

۶-۶. سلام جمعی به حضرت عَلَيْهِ السَّلَامُ در مدینه

نوع دیگر از برپایی برنامه‌های اجتماعی-مذهبی انتظار ظهور، سلام دادن به حضرت و درخواست ظهور بود که در برخی شهرها توسط مردم اجرا می‌شد. به‌گفته ابن تیمیه، شیعیان مدینه نوعی از شعائر انتظار را در قرن هشتم که سادات حسینی حکمران بودند، اجرا می‌کردند. وی می‌نویسد: «آنها در جاهای دور از مشهد حضرت مهدی مانند مدینه در دهه آخر رمضان و یا اوقات دیگر رو به مشرق نموده او را با آهنگ بلند صدا زده و خروجش را درخواست می‌کنند» (ابن تیمیه، ۱۴۰۶ ه.ق، ۱/۴۴). شاید بتوان گفت این گزارش گویای سلام دادن به حضرت بود که اکنون نیز میان شیعیان متعارف است به‌گونه‌ای که بعد از نمازهای یومیه بر آن حضرت سلام داده و طلب فرج و ظهور وی را می‌کنند. وجود شاگردان با واسطه ائمه عَلَيْهِمُ السَّلَامُ و تربیت یافتگان پسینی آنها و طرح مسائل انتظار ظهور در جامعه را می‌توان عامل پایداری آموزه مذکور دانست. همچنین حاکمان مدینه که پیش از عصر حاضر در برخی بازه‌های زمانی گرایش به تشیع داشتند و گاهی از دانشوران شیعه حمایت می‌کردند (شیعه نبودند)، (ر.ک.، ابن فرحون، بی‌تا) می‌توانستند زمینه‌ساز رواج شعائر انتظار میان شیعیان مدینه باشند.

۶-۷. خطبه خوانی حاکم به نام حضرت

سلطان حسین بايقرا (۸۷۳-۹۱۱ ه.ق) که پایتختش هرات بود، موفق شد نام ائمه عَلَيْهِمُ السَّلَامُ را در خطبه نماز بیاورد. خلاصه *التواریخ*، موفقیت او در این کار را پس از هشتصد سال از آغاز اسلام دانست که هیچ‌کس هم توان مخالفت با او را نیافت. (حسینی قمی، ۱۳۸۳/۱، ۶۵) تکرار هفتگی خطبه خوانی و ذکر نام ائمه دوازده‌گانه شیعیان در جامعه شیعی و علاقمند به ائمه اطهار عَلَيْهِمُ السَّلَامُ و معتقد به ولایت حقه آن بزرگواران و منتظران ظهور آخرین بازمانده آنها شعار دلبستگی جمعی و انتظار ظهور جامعه شیعی آن روزگار بوده است، البته سنت خطبه خوانی به نام امامان دوازده‌گانه شیعیان با اعتقاد به حیات حضرت حجت عَلَيْهِ السَّلَامُ و انتظار ظهور ایشان قبل از سلطان حسین در جوامع شیعی اثنی عشری سابقه داشته است. منظور قمی بیان موفقیت وی در اجرای چنین مراسمی در شرق سرزمین اسلامی بوده است؛ زیرا بنابر گزارش ابن خلکان در منطقه نفوذ فاطمیان و به سال ۴۲ ه.ق ابوعلی بن افضل (وزیر فاطمی) شیعه دوازده امامی بودن خود را اعلام کرد و دستور حذف نام اسماعیل بن



جعفرالصادق عَلَيْهِ السَّلَام را از خطبه‌ها داد و خطبه به نام حضرت حجت عَلَيْهِ السَّلَام خواند (ابن خلکان، ۱۹۰۰، ۳/۲۳۶). بنابراین، ارادت سلطان به ائمه اطهار عَلَيْهِمُ السَّلَام و اعتقاد به ولایت ایشان و منتظر ظهور بودن مردم، زمینه‌های شکل‌گیری این‌گونه از شعائر انتظار بوده است.

۶-۸. آمادگی رزم در رکاب حضرت مهدی عَلَيْهِ السَّلَام

یکی دیگر از شعائر انتظار ظهور که سالیان زیادی در برخی اجتماعات مردم شیعه اثنی عشری رواج داشته تجهیز اسب برای حضرت و تهیه سلاح و آمادگی رزمی مؤمنین بوده است. اولین شعائر انتظار ظهور به صورت تهیه اسب و آمادگی رزمی در مورد مردم کاشان گزارش شده است که هر روز یراق پوشیده، مسلح و سوار بر اسب منتظر ظهور حضرت بودند تا در صورت ظهور، آماده یاری‌رسانی به ایشان باشند. (حسینی قمی، ۱۳۸۳، ۱/۶۵) سنت و شعار آمادگی رزمی در سامرا نیز پیگیری می‌شد. مردم سامرا با مسلح و آماده نبرد شدن، اسبی زین شده را نیز کنار سرداب نگه می‌داشتند تا حضرت، هنگام ظهور بر آن سوار شود (ابن تیمیه، ۱۴۰۶ ه.ق، ۱/۴۴). مردم شهر حله نیز شب‌ها درحالی که مسلح و آماده نبرد بودند از امیر شهر، اسب یا استری زین‌کرده گرفته و کنار مسجد حله می‌بردند و در آنجا منتظر می‌ماندند تا در صورت ظهور حضرت بر آن سوار شوند (ابن بطوطه، ۱۴۱۷ ه.ق، ۲/۵۶) و خود نیز حضرت را یاری کنند. در عصر سربداران نیز خواجه علی مؤید هر صبح و شب با اسب آماده، انتظار ظهور حضرت را می‌برد (شوشتری، ۱۳۷۷، ۲/۳۶۷). رواج تشیع در مناطق یاد شده، آشنایی توده مردم با احادیث مهدوی، اعتقاد بنیادین ولایت ائمه اطهار عَلَيْهِمُ السَّلَام، انتظار ظهور بقیه الله عَلَيْهِمُ السَّلَام، برچیدن بساط ظلم و جور، برقراری حکومت عدل و داد از سویی و وجود ظلم و فساد و تبعیض در جامعه از دیگر سو زمینه‌ساز توسل و توجه روزافزون مؤمنین انتظار منجی موعود و به‌پا داشتن سنت‌ها و شعائر انتظار ظهور در تاریخ جوامع شیعی بوده است. در چنین شرایطی شعائر انتظار ظهور گسترش می‌یافت.

۷. نتیجه‌گیری

در بازه زمانی مورد بررسی پژوهش حاضر یعنی، از برافتادن حکومت یکپارچه عباسیان بر سرزمین‌های اسلامی تا برآمدن حکومت مقتدر و یکپارچه صفویه در شرق اسلامی، در

مناطق شرقی بلاد اسلامی حکومت مقتدری وجود نداشت و حاکمان با نفوذ محلی، اداره امور را در این مناطق به دست داشتند. در چنین حکومت‌هایی ظلم و فساد حاکمان و وابستگان آنها مردم را آزار می‌داد و رهایی از ظلم و جور حاکمان آرزوی بسیاری از آنها بود. به دلیل اعتقاد عموم مسلمانان به قیام مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریح که برحسب روایات فریقین: «او خواهد آمد و جهان را پر از عدل و داد خواهد کرد» نوعی اعتقاد به رفع ظلم و ستم توسط منجی، انتظار می‌رفت. همچنین، طنین شیعه‌گری در شرق اسلامی به علل مختلف بیش از سایر مناطق اسلامی انعکاس یافته بود. مسئله انتظار ظهور مهدی موعود نیز در نزد شیعیان رونق زایدالوصفی داشت؛ زیرا اعتقاد به امام زنده‌ای که در پرده غیبت است و در صورت فراهم آمدن شرایط، ظهور می‌کند و بساط ظلم و جور را برمی‌چیند، انگیزه بیشتری برای انتظار ظهور و آمادگی برای حمایت از ایشان و زندگی در سایه سار وجود مبارک ایشان برای شیعیان می‌آفریند. بنابراین، هر جا اجتماعی از شیعیان وجود داشت بنابر تأکیدی که در روایات شیعی بر انتظار فرج و آمادگی برای عصر ظهور بقیه الله الاعظم وارد شده بود، به مقتضای شرایطی که داشتند شعائری را ابداع و بر آن مداومت می‌کردند. آنان که امکان تظاهر داشتند، سلاح می‌پوشیدند، زین و بیراق بر اسب می‌نهادند و صبحگاهان بر دروازه شهر به انتظار ظهور می‌ایستادند. حاکمان به نام حضرتش سکه می‌زدند و به نام ایشان خطبه می‌خواندند و انتظار ظهورش را می‌کشیدند. آنان که امکان می‌یافتند در سامرا بر درب خانه و نزدیکی سرداب غیبت اجتماع می‌کردند و به انتظار ظهورش می‌نشستند و یا در مشهد حله اجتماع ندبه برپا می‌کردند و آنان که چنین امکاناتی نداشتند در اوقات خاصی مانند دهه آخر رمضان، دسته جمعی دعا و ظهور حضرتش را طلب می‌کردند.

شعائر انتظار ظهور منحصر به موارد ذکر شده در نوشتار حاضر نبود، ولی سعی صاحب این قلم بر آن بود که با بررسی منابع تاریخی، مواردی که در بازه زمانی موردنظر می‌توان به گزارش‌های تاریخی مستند کرد را جمع‌آوری و دسته‌بندی کند. براین اساس، هشت مورد از شعائر انتظار ظهور که ریشه تاریخی دارند، شناسایی و معرفی شد. در یک نگاه کلی می‌توان گفت که جریان سیال اندیشه مهدویت و وجود شعائر انتظار ظهور در بسیاری از مناطق سرزمین‌های خلافت شرقی تداوم داشته است، هرچند شعائر انتظار ظهور در مناطق



مختلف با اشکال مختلف و یا همگون با سایرین بروز و ظهور یافته است. شعائر انتظار ظهور طی قرون متمادی در ترویج فرهنگ انتظار و انتقال آن به نسل‌های بعدی بسیار مؤثر بوده است. چه بسا گسترش تشیع در سرزمین‌های اسلامی و شکل‌گیری حکومت‌های شیعی در قرون بعد نیز تا اندازه‌ای وامدار وجود اینگونه شعائر بوده است.

فهرست منابع

۱. ابن بابویه، محمد (۱۳۹۵). کمال‌الدین و تمام‌النعمة. تهران: اسلامیه.
۲. ابن بطوطه، شمس‌الدین ابی عبدالله محمد بن عبدالله اللواتی الطنجی (۱۴۱۷ه.ق). رحله ابن بطوطه / تحفه النظاری فی غرائب الامصار و عجائب الاسفار. مغرب: اکادمیه المملکه المغربیه.
۳. ابن تیمیه، احمد بن عبدالحلیم (۱۴۰۶ه.ق). منهاج السنه النبویه فی نقض کلام الشیعه القدریه. سعودی: جامعه الامام محمد بن سعود الاسلامیه.
۴. ابن خلدون، عبدالرحمن بن محمد (۱۴۰۸ه.ق). دیوان المبتدأ والخبر فی تاریخ العرب والبربر و من عاصرهم من ذوی الشأن الاکبر. بیروت: دار الفکر.
۵. ابن خلکان، احمد بن محمد (۱۹۰۰م). وفيات الاعیان و انباء ابناء الزمان. بیروت: دار صادر.
۶. ابن فرحون (بی تا). تاریخ المدینه المنوره (نصیحه المشاور و تعزیه المجاور). بیروت: دار القلم.
۷. ابن کثیر، اسماعیل بن عمر (۱۴۰۷ه.ق). البدایه و النهایه. بیروت: دار الفکر.
۸. اقبال، عباس (۱۳۸۷). تاریخ مغول. تهران: نگاه.
۹. بغدادی، ابن شمائل، صفی‌الدین عبدالمؤمن بن عبدالحق (۱۴۱۲ه.ق). مراصدالاطلاع علی اسماء الامکنه و البقاع. بیروت: دار الجیل.
۱۰. تبریزی اصفهانی افندی، عبدالله (بی تا). گزارش تفصیلی کتاب تحفه فیروزیه شجاعیه به دلیل سده سنیه سلطان حسینیه. مصحح: جعفریان، رسول. بی جا: بی نا.
۱۱. ترابی طباطبایی، سید جمال (۱۳۵۵). سکه‌های آق‌قویونلو و مینای وحدت حکومت صفویه در ایران. تبریز: شفق.
۱۲. جاناسمیت (۱۳۶۱). خروج و عروج سریداران. مترجم: آژند، یعقوب. تهران: واحد مطالعات و تحقیقات فرهنگی و تاریخی.
۱۳. جعفرزاده، کبری (۱۳۹۵). بررسی پدیده روبه رشد انتظار و ظهور منجی (مهدویت) در عصر ایلیخانیان. استاد راهنما: کریمی، علیرضا. استاد مشاور: دین پرست، ولی. کارشناسی ارشد. دانشگاه تبریز.
۱۴. جعفریان، رسول (۱۳۸۷). صفویه در عرصه دین فرهنگ و سیاست. تهران: پژوهشکده حوزه و دانشگاه.
۱۵. حافظ ابرو، عبدالله (۱۳۸۰). زنده‌التواریخ. تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
۱۶. حسینی قمی، احمد بن شرف‌الدین (۱۳۸۳). خلاصه‌التواریخ. تهران: دانشگاه تهران.
۱۷. حموی، یاقوت بن عبدالله (۱۳۸۳). معجم‌البلدان. تهران: سازمان میراث فرهنگی کشور.
۱۸. خواندمیر، غیاث‌الدین بن همام‌الدین (۱۳۸۰). تاریخ حبیب‌السیرفی اخبار افراد البشر. تهران: خیام.
۱۹. زریاب، عباس (۱۳۷۳). تهذیب و تلخیص روضه‌الصفاء میخوانند. بی جا: بی نا.
۲۰. شوشتری، قاضی نورالله (۱۳۷۷). مجالس‌المؤمنین. تهران: انتشارات اسلامیه.
۲۱. صفا، ذبیح‌الله (۱۳۷۸). تاریخ ادبیات در ایران. تهران: فردوس.
۲۲. علاء‌الدینی، بهرام (۱۳۹۶). سکه‌های ایران: از انقراض ایلیخانان مغول تا استیلای تیمورگورکان. تهران: برگنگار.
۲۳. علاء‌الدینی، بهرام (۱۳۹۵). سکه‌های ایران دوره ایلیخانان مغول. تهران: برگنگار.
۲۴. قزوینی، زکریا بن محمد (۱۳۷۳). آثارالبلاد و اخبارالعیاد. تهران: امیرکبیر.
۲۵. قلقشندی، احمد بن عبدالله (بی تا). صبح‌الاعشی فی صناعه‌الانشاء. بیروت: دار الکتب العلمیه.
۲۶. کلینی، محمد (۱۴۰۷ه.ق). الکافی. تهران: اسلامیه.
۲۷. محبی، محمد (۱۳۹۵). اندیشه مهدویت در حکومت‌های شیعی از قرن چهارم تا نهم هجری. استاد راهنما: تقوی سنگدهی، سیده‌لیلا. استاد مشاور: امانی، بهرام. کارشناسی ارشد. دانشگاه زنجان.
۲۸. مستوفی، حمدالله (۱۳۸۱). نزهه‌القلوب. قزوین: حدیث امروز.
۲۹. میرخواند، محمد بن خاوندشاه (۱۳۸۵). تاریخ روضه‌الصفاء فی سیره الانبیا و الملوک و الخلفاء. تهران: اساطیر.
۳۰. نعمانی، محمد (۱۳۷۳). الغیبه. تهران: صدوق.